

## مقدمه

مطالعات متنی (textual)، یا متن‌پژوهی را پایه و اساس مطالعات دینی دانسته‌اند. از نگاه برون‌دینی، متن به مثابه سند یا منبعی تاریخی فرض می‌شود که باید با روش‌های مناسب بررسی و فهم شود. امروزه، روش نقد تاریخی عهده‌دار چنین بررسی هدفمندی است. این روش، برخلاف روش‌های سنتی و پیشین، متن را بازتابی صرف و منفعلانه از واقعیت‌های زمانه نمی‌بیند. این روش، که در مطالعات دین‌شناسی غرب، نخست در باب کتاب مقدس شکل گرفت، از یکسو بررسی نقادانه‌ای است در آگاهی‌ها و داده‌های تاریخی راجع به کتاب مقدس یهود و مسیحیت و از سوی دیگر، جست‌وجو در باب تاریخ پدید آمدن هر بخشی از این کتاب، یا هر بخشی از هر اثر می‌باشد. مراحل مختلف نقد تاریخی بر این پیش‌فرض استوار است که از واقعیت متن و معنای آن، صرفاً در نقد ادبی یا زبان‌شناختی آن پرده‌برداری نمی‌شود، بلکه منظور از واقعیت، تمامی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود در هنگام، پیش و پس از شکل‌گیری متن است که به طور خاص، در زبان منعکس می‌شود. تمامی این عوامل، تعامل فعال و سازنده‌ای با یکدیگر دارند. از این رو، آنچه در این روش پایه و محور مطالعات قرار می‌گیرد، توجه به خود تاریخ، به‌عنوان رشته علمی برای فهم است. روشن است که غفلت از تاریخی بودن متن، سبب می‌شود که متون دینی و مذهبی از بستر نضج، رشد و تحول خود منعزل و منزوی شده، و رویکردهای درون‌دینی برای فهم نیز دچار کج‌فهمی یا سوءفهم واقع شوند.

در این زمینه، این تحقیق با نظر به مراحل گوناگون نقد تاریخی در رویکردی که به (Higher criticism) معروف است، به نقد منابع، نقد صوری، یا بررسی سبک و ساختار، ویژگی‌های صوری کتاب، و نقد تحریری یا بررسی چگونگی گردآوری، تنظیم، اصلاحات و ویرایش منابع کتاب ایوب می‌پردازد. به نظر می‌رسد، تلاش برای بازسازی واقعیت‌های گذشته، فارغ از تأثیر هرگونه دگما یا مبانی عقیدتی و الهیاتی یا تأثیر تفاسیر سنتی در باب صحف مختلف کتاب مقدس (در اینجا عهد قدیم)، نشان می‌دهد که این صحف، به معنای واقعی خود تألیفی نیستند و معمولاً مؤلف واحدی ندارند، بلکه تحریری هستند. در واقع، چندین مؤلف یا محرر دست‌اندرکار ویرایش، تدوین و جرح و تعدیل آنها در دوره‌های مختلف زمانی بوده‌اند.

با توجه به توضیحات در باب نقد تاریخی، تفاوت بارز آن، با نقد ادبی، که در میان منتقدان ادبی مرسوم است، مشخص می‌شود. ورود به متن و آوردن نمونه‌ها و شواهد برای بیان ویژگی‌های

## بررسی و نقد تاریخی کتاب ایوب\*

aminimar@gmail.com

مریم امینی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان  
مسعود جلالی مقدم / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری  
دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۵

## چکیده

یکی از مهم‌ترین روش‌های مطالعات متنی، به‌عنوان پایه مطالعات دینی، روش نقد تاریخی است. این روش از حدود قرن هیجده در باب کتاب مقدس شکل گرفت. یکی از کتاب‌هایی که به شدت مورد توجه پروتستانیزم قرار گرفت، کتاب ایوب بود. تلاش برای بازسازی واقعیت‌های گذشته، فارغ از تأثیر هرگونه دگما یا مبانی عقیدتی یا تفاسیر سنتی، نشان می‌دهد که این کتب از جمله کتاب ایوب، به معنای واقعی خود تألیفی نیستند، بلکه تحریری می‌باشند؛ و چندین مؤلف یا محرر دست‌اندرکار ویرایش، تدوین و جرح و تعدیل آن در دوره‌های مختلف زمانی بوده‌اند. این تحقیق، با نظر به مراحل مختلف نقد تاریخی به نقد منابع، نقد صوری و نقد تحریری کتاب می‌پردازد و با هدف پرداختن به فرایند پیچیده چگونگی ویرایش و تدوین به این نتیجه می‌رسد که سنت‌های پیشین و پراکنده در میان یهود، به‌عنوان واحدهای کوچکتر به تدریج راه خود را در میان واحدهای بزرگتر کائنات عهده قدیم باز کرده‌اند. از این رو، می‌توان گفت: تفسیر و فهم ادبیات یهود، به‌مثابه تفسیر و فهم تاریخ یهود می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کتاب ایوب، روش نقد تاریخی، نقد صوری، نقد تحریری، سبک و ساختار، آنتروپودیسه، ادبیات حکمت.

مختلف ادبی، که کار منتقد ادبی است، دستمایه‌ای برای بررسی‌های تاریخی است. بیان تفصیلی این بحث مجال دیگری می‌طلبد.

### جایگاه کتاب ایوب

در کتاب مقدس عبری، مزامیر، امثال و ایوب، همواره کنار هم و جزو (Kethubim) قرار می‌گیرند. هرچند در نسخه‌های مختلف و فهرست‌های قدیمی، ترتیب آنها متفاوت است. کتاب ایوب، اثر ادبی پیچیده و عمیقی است که در قالب داستان و سپس، گفت‌وگوهایی پیگیر، یکی از قدیمی‌ترین چالش‌های فکری و کلامی در ادیان بوده است. این قالب را شبیه درامی غربی دانسته‌اند، اما با مشخصات کامل ادبیات سامی، که عقاید مطرح‌شده در آن، ناشی از رشد و نبوغ اسرائیلی است (کی‌تو، ۱۹۵۸، ص ۴۸۲). همچنین آن را حماسه حیات درونی و اوج ادبیات حکمی یهود دانسته‌اند؛ زیرا اساساً طرح کتاب این‌گونه است که از دغدغه‌هایی پرده بردارد که هر انسانی از آن جهت که انسان است، بدان می‌پردازد، به‌ویژه این پرسش مهم و کهن در ادیان و مذاهب جهان، که چرا افراد مؤمن و درستکار از سعادت دنیوی برخوردار نیستند؛ بعکس، بدکاران بر اسب مراد سوارند. اصولاً چرا خداوند اجازه می‌دهد که انسان رنج بکشد. از این‌رو، آن را رونوشتی از زندگی دانسته‌اند، آن‌گونه که هست. به نظر می‌رسد، هدف از آن طرح مسئله عمیق رنج بشر به سبب شرور و حضور آن در جهان واقعی باشد که از زبان ایوب و وارد کردن ایرادهایی به سنت‌ها و قالب‌های فکری بیان می‌شود. این امر، سبب شده است تا جایگاهی در میان اندیشمندان و صاحبان ذوق در میان گروه‌ها و نحله‌ها بیابد. با آنکه این کتاب، در میان صحف مقدس عهد قدیم قرار گرفته و به نظر می‌رسد، واجد مؤلفه‌ها و عناصری برای رویکردی صرفاً الهیاتی باشد، اما از آنجاکه به پیامی واحد قابل تحویل نیست و از ظرفیت‌های تفسیری فراوانی برخوردار است، در طول تاریخ تفکر، همواره جاذبه‌های آن برای رویکردهای انسانی قابل فهم و تفسیر بوده است. از این‌رو، کارل گوستاو یونگ نیز در کتاب پاسخ به ایوب، به این کتاب پرداخته و از آن تحلیلی روان‌شناختی به دست می‌دهد. وی علاوه بر آنکه به مبانی فکری کتاب در بستر الهیات مسیحی اشاره می‌کند، با تحلیل مبانی ذهنی - روانی آن، تصویری انسانی از آن ارائه می‌دهد. مهمتر از آن، توجه روزافزون به این کتاب در بسترهای مختلف فرهنگی نشان می‌دهد که بالا بودن ظرفیت‌های تفسیری کتاب، می‌تواند به صورت‌بندی و پیشبرد رویکردهای انسانی در الهیات جدید یاری رساند. به همین دلیل، برخی محققان این کتاب را نه کتابی در باب تئودیسه (عدل الهی)، بلکه آنتروپودیسه

(Anthropodicy) دانسته‌اند. این امر حاکی از عدل به معنای انسانی آن، به انضمام رنج و شرور می‌باشد، نه منزله از شرور (گروبر و جودائیکا، ۲۰۰۷، ج ۱۱، ص ۳۵۹؛ ر.ک: امینی، ۱۳۹۳).

### سبک و ساختار

کتاب ایوب را نمی‌توان در هیچ‌یک از قالب‌های ادبی مرسوم طبقه‌بندی کرد. اما از نظر ادبی، آن را یک درام می‌دانند (پیک، ۱۹۵۲، ص ۲۰) که توانسته است در قالب شعری جدلی ظاهر شود (کرای‌لینگ، ۱۹۵۵، ص ۶۰۵). کتاب در دو بخش کلی مثنوی و منظوم تألیف شده است: مقدمه (prologue)، شامل باب ۱ و ۲ و مؤخره (epilogue) شامل باب ۴۲: ۷-۱۷ که روایی و مثنوی‌اند که به نظر قدیمی‌تر باشند (پیک، ۱۹۵۲، ص ۳۴۲). اصل داستان، که شامل سرگذشت ایوب و آزمون او توسط شیطان و ابتلائات و... و امتناع او از عصیان در برابر خداوند و سرانجام، بازگشت به عافیت و ثروت می‌باشد، در همین دو قسمت کوتاه یعنی در ابتدا و انتهای کتاب آمده است. به نظر می‌رسد، مقدمه و مؤخره در ابتدا یک فولک یا افسانه‌ای محلی برگرفته از ادوم (Edom)، قبیله‌ای غیراسرائیلی از اخلاف عیسو - برادر و رقیب یعقوب - می‌باشد که بعدها، به بخش اصلی کتاب یعنی منظوم اضافه شده است. اما بخش منظوم، که بین این دو قرار گرفته و شامل بیشترین حجم کتاب است و با شکوائیه ایوب آغاز می‌شود، شامل این قسمت‌هاست:

۱. سه دوره دیالوگ یا گفت‌وگوهای ایوب، با سه دوستش به نام‌های *الیفاز، بلدَد و سوفَر*، که هر یک از آنها در سه بحث شرکت می‌کنند، بجز سوفر که در دور سوم غایب است و گویا این بخش از گفت‌وگوها از بین رفته باشد (کرای‌لینگ، ۱۹۵۵، ص ۶۰۵)، شامل باب ۳-۳۱ است. کونگل، این گفت‌وگوها را «مباحث جدلی فرزندگان» می‌داند (همان) و کوهلر، موقعیت گفت‌وگوها را گویی طرح شده در پیشگاه یک دادگاه می‌داند تا صرفاً یک بحث باشد (همان).

۲. سخنان یهوی جوان، شامل باب ۳۲-۳۷؛

۳. سخنان خداوند از میان گردباد، شامل باب ۳۸-۴۱ و پاسخ کوتاه ایوب به خداوند، شامل ۴۲: ۶-۱.

بدین ترتیب، در مجموع ۴۲ باب کل کتاب را تشکیل می‌دهد. کل بخش منظوم بین دو بخش مقدمه و مؤخره مثنوی قرار می‌گیرد. عدم یکپارچگی در شکل تألیف، حاکی از دستکاری در ساختار متن و دخل و تصرفات بسیاری است. از جمله سخنان یهوی، که بی‌مقدمه ظاهر می‌شود و بی‌هیچ پاسخی از سوی ایوب طرح و دنبال می‌شود، به احتمال قوی از الحاقات بعدی است. شاید حدود ۴۰۰ ق.م. ملحق شده باشد (شونفلید، ۱۹۶۲، ص ۱۲۹). گرچه محققان اندکی معتقدند که سخنان یهوی، بخشی از چارچوب

اولیه را تشکیل می‌دهد، اما اکثراً این نظر را رد می‌کنند. این بخش، در قالب شعر است. اما سبک آن با بخش گفت‌وگوها متفاوت است. علاوه بر اینکه، نه در گفت‌وگوها و نه در هیچ جای دیگر به‌طور مشخص بیانی از او نیست. شاید به لحاظ موضوعی، این بخش را بتوان از کتاب کنار گذاشت، بدون اینکه به ساختار اثر خدشه‌ای وارد شود. این بخش اما از نقطه‌نظر زبانشناسی، دشوار، از نظر ادبی شاهکار و از موضع الهیاتی غنی و ممتاز ارزیابی شده است (وال، ۱۹۹۳، ص ۳۵۸).

از جمله اضافات یا الحاقات بعدی، فصل ۲۸ در ستایش حکمت است. سرودی باشکوه که شباهت زیادی با بخش اول کتاب امثال دارد و سایه مبهمی از آرمان‌های اخلاقی کتاب مقدس عبری در آن به چشم می‌خورد. همچنین دومین بخش از سخنان خداوند (۴۰: ۱۵ تا ۴۱: ۳۴)، که شرح مفصلی از خلقت دو حیوان عجیب و عظیم‌الجثه به نام‌های بهیموت (نوعی کرگدن) و لویاتان (نوعی تمساح) می‌باشد (پیک، ۱۹۵۲، ص ۳۴۲).

نکته دیگری در سبک کتاب، این است که عمده مباحث، به شکل دیالوگ جریان دارد. اما در دور سوم، سخنان ایوب صورت مونولوگ یا تک‌گویی به خود می‌گیرند: باب ۲۳ و ۲۴ که طرح شکوائیه دارند، باب ۲۶ درباره عظمت الهی، باب ۲۷، آخرین دفاع ایوب و طرح عدالت است، اما با دیدگاه کلی ایوب، که منکر وجود عدل است، کاملاً متناقض است (آیات ۷-۲۳). از این رو، ممکن است متعلق به سوفر در دور سوم گفت‌وگوها باشد (پیک، ۱۹۵۲، ص ۳۵۹). همچنین است باب ۲۸ در ستایش حکمت، باب ۲۹-۳۱ ادامه دفاعیه ایوب، در شرح بی‌گناهی خویش که به صورت مونولوگ بیان می‌شوند.

## ویژگی و چگونگی تألیف

در این زمینه، سه دیدگاه وجود دارد:

۱. کتاب حاوی مطالبی کاملاً تاریخی است.

۲. روایتی تمثیلی است که نویسنده‌ای به قصد تعلیماتی دینی و اخلاقی تألیف کرده است.

۳. بر اساس داستانی واقعی، اما با دخل و تصرفاتی تدوین شده است.

۱. طرف‌داران دیدگاه اول عمدتاً به جریان‌های سنتی دینی و وابسته به کلیسا تعلق دارند. از جمله مفسران کتاب مقدس، همچون آباء کلیسا هستند که آن را در فهرست کتب تاریخی قرار می‌دهند. گویا این دیدگاه، ابتدا توسط یوسفوس طرح شد، سپس توسط آباء کلیسا پذیرفته، و

پس از آن رایج و متداول گردید (کی‌تو، ۱۹۵۸، ص ۴۸۲). اما این دیدگاه قدیمی، امروزه در بوت‌نقد تاریخی تقریباً کنار نهاده شده است.

۲. دیدگاه دوم، متعلق به سنت ربّی‌هاست و اظهار می‌دارد که ایوب هرگز وجود نداشته است و این کتاب حکایتی تمثیلی است (کوهن، ص ۱۴۵). به نظر این افراد، کتاب نه تاریخی است و نه قصد و نیت تاریخی در آن لحاظ شده است. اساساً مردی چون ایوب، هرگز نزیسته است. این دیدگاه نیز امروزه طرفداری در میان منتقدان ادبی ندارد.

۳. به نظر می‌رسد، کتاب اساسی تاریخی دارد، اما به احتمال قوی، نویسنده‌ای از این داستان واقعی، چارچوبی برای شعر خود برگرفته است و در دوره‌های بعدی با الحاقات، ویرایش و بازسازی‌های متنوع (احتمالاً تا ۲۰۰ ق.م)، شکل نهایی آن تدوین می‌گردد (شنیدویند، ۲۰۰۴، ص ۶۶ و ۱۹۴). بنابراین دیدگاه، وجود تاریخی او را صحف مقدس مطرح می‌کند و اشاره حزقیال به ایوب، به‌عنوان مردی پرهیزگار (۱۴: ۱۴ و ۲۰)، می‌تواند دال بر وجود چنین سنتی باشد (کی‌تو، ۱۹۵۸، ص ۴۸۲). برخی معتقدند: این افسانه محلی متعلق به ادوم یا اسرائیلیات، یا حماسه‌ای متعلق به احتمالاً آغاز پادشاهی اسرائیل است. از آنجاکه ایوب متعلق به ادوم می‌باشد، خاستگاه غیراسرائیلی آن ترجیح دارد (کرای‌لینگ، ۱۹۵۵، ص ۶۰۵). (لازم به یادآوری است، اصطلاح «سنت» در معنا و مفهوم یهودی، کاربردی بس فراگیر دارد و شامل جامع ادبیات و تاریخ دینی، داستان‌ها، روایات و احادیث، تفاسیر و دیدگاه‌های فکری جا افتاده و مقبول در تلمود و... اعم از شفاهی و یا مکتوب می‌شود).

بزرگ‌ترین مشکل انتقادی در باب تألیف این کتاب به شکل فعلی آن، این است که آیا نویسنده‌ای واحد آن را به تمامی نگاشته است، یا چند نویسنده در تألیف آن نقش داشته‌اند. بنا به سنتی در میان ربّی‌ها، بخشی از کتاب ایوب را موسی نگاشته است (پیتز، ج ۲، ص ۳). در تلمود نیز آمده است که موسی، خود کتاب ایوب را نگاشت و نویسنده کتاب تثنیه با ایوب یکی است (کوهن، ص ۱۴). نکته قابل توجه اینکه، در نسخه سریانی کتاب مقدس، کتاب ایوب، بلافاصله پس از اسفار خمسه و قبل از یوشع آمده است (برگر، ۱۸۹۳، ص ۳۳۱-۳۳۹). عدم انسجام و وحدت ساختاری در تألیف و سبک ادبی کتاب، حاکی از این است که مؤلف کتاب یکی نیست. امروزه بسیاری از محققان معتقدند در ابتدا، داستانی مشهور وجود داشته که بعدها نویسنده یا نویسندگانی، اشعاری سروده و به بدنه اولیه افزوده‌اند. آلت (Alt)، کرای‌لینگ، اردمانز (Eerdmans) و لیندبلوم (Lindblom) معتقدند: مؤلف، مقدمه به شکل فعلی آن را نداشته است. کرای‌لینگ، باب‌های ۲: ۱۱-۱۳ و ۲: ۴۲ و ۷-۹ را به‌عنوان عناصر بازمانده از روایت نویسنده می‌داند؛ زیرا به

### زمان تألیف

یکی از مهم‌ترین مباحث و مناقشات تاریخی در این کتاب، تعیین زمان تألیف یا قدمت آن است. قدیمی‌ترین نظریه متعلق به یهودیان می‌باشد. پیش از این گفتیم که در سنت ربّی‌ها، این دیدگاه وجود دارد که موسی خود کتاب ایوب را نگاشته است (راجرسون، ۲۰۰۶، ص ۷۷۸). اما این دیدگاه انتقادی هم وجود دارد که در متن، نامی از موسی یا شریعت موسوی نیامده است. این امر توجیهی ندارد و نظریه تألیف از سوی موسی و در زمان موسی را زیرسؤال می‌برد. هرچند از باب احترام خاصی که نسبت به پیران و شیوخ دیده می‌شود و شروح و اظهارات آمده در کتاب، متناسب با عهد شیخوخت یا patriarch است، برخی محققان معتقدند: قدمت آن را تا پیش از موسی نیز می‌توان تخمین زد (کتیو، ۱۹۵۸، ص ۴۸۳). برای نمونه، اعتبار و احترام زیادی به پیرمردهای همسن ایوب گذاشته می‌شود و پدران قربانی‌ها را انجام می‌دهند و تقدیم می‌کنند. زبان آرکائیک اشعار هم یکی از دلایلی است که از زمانی به مراتب قدیمی حمایت می‌کند (همان). مهم‌تر اینکه، صحنه‌ها خارج از فلسطین قرار گرفته و از به‌کارگیری نام «یهوه» پرهیز می‌شود. نام خداوند در اشعار متن عمدتاً El و Eloah و حتی El Shaddai (خداوند صخره) ذکر می‌شود که در عهد ابراهیم و اخلاف وی این اسامی رایج بوده است و به اسمایی تعلق دارند که پیش از نام «یهوه» مرسوم بوده‌اند (pre-yahwistic divine names). از آنجاکه کاراکترها یا شخصیت‌های داستان غیراسرائیلی هستند، احتمال تعلق به دوره پیش از موسی را بالا می‌برد (گینسبرگ و جودائیکا، ۲۰۰۷، ص ۳۵۰). اما بیشتر محققان کاتولیک و مارتین لوتر (کوهن، ص ۱۸۳) نیز زمان تألیف را به پادشاهی سلیمان نسبت می‌دهند (کی‌تو، ۱۹۵۸، ص ۴۸۳). البته نظر به اشاره حزقیال به ایوب و زبان آرکائیک بخش منظوم، می‌توان تاریخ تألیف را تا قرن ۸ ق. م. تخمین زد.

اما بسیاری از محققان، به‌ویژه کسانی که پروتستان هستند، تألیف را متعلق به دوره اسارت بابلی، پیش و یا پس از آن می‌دانند. بنا به ادعای پفایفر (Pfeiffer)، قدمت آن به حدود ۶۰۰ ق. م. می‌رسد. شاف هرتسوگ (Schaff-Herzog) که اولین مقاله انتقادی را در باب کتاب ایوب می‌نویسد، تاریخ معمول را حدود ۲۰۰-۴۰۰ ق. م. اعلام می‌کند (کرای‌لینگ، ۱۹۵۵، ص ۶۰۵). آرتور پیک، مفسر مطرح کتاب مقدس، قدمت آن را حدود ۴۰۰ ق. م. می‌داند (پیک، ۱۹۵۲، ص ۲۰). با اینکه، این دسته از محققان دوره زمانی حدود ۴ قرن پیش از میلاد را بهترین گزینه می‌دانند، اما گرایش فزاینده‌ای وجود دارد که آن را حداقل متعلق به دو قرن پیش‌تر بدانند.

اینکه چرا و چه ملاحظاتی سبب شده است تا برخی محققان به گزینه اسارت بابلی و سده‌های

سختی در محل اتصال با گفت‌وگوها قرار می‌گیرد، به‌ویژه اینکه از زبان ایوب نقل شود (کرای‌لینگ، ۱۹۵۵، ص ۶۰۶-۶۰۵). با این حال، محققانی چون شنیدویند معتقد است: بخش منظوم کتاب، که اشعاری آرکائیک و قدیمی هستند، در دوره پارسی یعنی تحت تأثیر ایرانیان و پس از اسارت بابلی به افسانه‌ای مثنوی اضافه شده‌اند. از این رو، باب‌های ۳-۴۱ قدیمی‌تر هستند (شنیدویند، ۲۰۰۴، ص ۱۶۶ و ۱۷۹).

### منابع احتمالی کتاب

برای کشف منابع احتمالی کتاب، از تأثیر ادبیات حکمی بابلی و حتی مصری در تألیف آن نمی‌توان غافل بود. وجود شباهت‌های چشمگیر موجب شده است که محققان این آثار را منابعی بدانند که مؤلف یا مؤلفان در نظر داشته‌اند. از جمله، منظومه اکدی «بلاکش درستکار»، که به ایوب بابلی شهره است و پیش از اسارت بابلی شناخته شده بود. این سند، در قالب فعلی آن ظاهراً مزموری برای شکرگزاری است. قهرمان داستان از بیماری مرموزی جان سالم بدر می‌برد و اکنون، سرود ستایش خود را به خدایی که او را نجات داده، نثار می‌کند. البته اثری از دیالوگ با دوستان عیادت‌کننده دیده نمی‌شود، اما در طول مونولوگ‌هایی طولانی، عقایدی متناظر با عقاید ایوب قابل تشخیص است. شاعر بابلی، همچون ایوب شرح پرهیزگاری خود را می‌دهد و بی‌گناهی خویش را اعلام می‌کند و خدایان را به دلیل بی‌تفاوتی مسئول می‌داند و نسبت به عدل الهی شک دارد. اعتراف به جهل کلی انسان نسبت به راه‌های خداوند و بدبینی عمیق نسبت به سرنوشت بشر، از ویژگی‌های فکری آن است. بعید نیست که شاعر کتاب مقدس از آن آگاهی داشته، اما هیچ اثری از وابستگی ادبی دیده نمی‌شود (The Interpreter's Bible، ۱۹۹۵، ص ۸۸۰-۸۸۱).

متن میخی دیگری که توجه مفسران کتاب ایوب را جلب کرده و شباهت آن چشمگیر است، یک «گفت‌وگوی توشیحی در باب عدل الهی» (Acrostic Dialogue on Theodicy) است که در آن، فرد مصیبت‌دیده با دوستانش در باب مسئله عدل الهی و معنای زندگی بحث و گفت‌وگو می‌کند (همان، ص ۸۸۱). مؤلف ایوب، بی‌تردید از برخی جلوه‌های بدبینی در جهان‌بینی مصری آگاه بوده است؛ زیرا نظیر این افکار به خوبی قابل مقایسه با اثری مصری به نام «مباحثه مردی با روحش» است که از نظر سبک و قالب با گفت‌وگوها شباهت چشمگیری دارند (هورری، ۱۹۸۴، ج ۳، ص ۱۰۴۱). گرچه با نظر به سایر ملاحظات، این ارتباط یا اقتباس را نمی‌توان مستقیم فرض کرد. اصولاً بسیاری از صورت‌های ادبی در کتب حکمی عهد قدیم، شباهت بسیاری با آثار حکمی مصری و بابلی دارند و روحیه غالب بدبینی در این سه اثر، که اغلب تأکید بر نوع عملی‌تری از حکمت دارند، مشترک است (همان).

نزدیک به آن روی آورند، یکی از مهم‌ترین ادله این دسته، وجود دیدگاه‌ها و عقایدی است که حاکی از برخورد و رویارویی قوم یهود با سایر اقوام و ملل و فرهنگ‌ها می‌باشد. باید اذعان داشت که در همین ایام، یعنی حدود سده ۸ تا ۲ ق. م، قوم یهود با تهاجمات فراوان اقوام و ملل گوناگون و صعود یا انحطاط آنها روبه‌رو می‌شود. پیامد این خشونت‌ها و بحران‌های فکری، ناشی از آنهاست که قوم یهود دچار چالش‌های جدی در مبانی دینی و فکری خود می‌گردند. تحلیل محتوای کتاب نیز نشان می‌دهد که دیدگاه‌های دینی مطرح شده در این کتاب، بیشتر جهانی هستند تا اینکه صبغه یهودی داشته باشند (پیک، ۱۹۵۲، ص ۳۴۴). همان‌گونه که آمدن نام «شیطان»، به عنوان عامل مستقل شر نمی‌تواند تصادفی باشد. در واقع، در مقدمه کتاب، آشکارا نام شیطان به‌عنوان مدعی آمده است و به ظن قوی، حاصل برخورد و تماس فکری یهودیان با ایرانیان در دوره اسارت بابلی است. این موضوع، تحت تأثیر نگرش دینی زرتشتیان نسبت به اهریمن به وجود آمده است.

همچنین از تأثیر فرهنگ هلنیستی نمی‌توان غافل بود؛ زیرا سبک جدلی گفت‌وگوها، علاوه بر اینکه حاکی از چالش‌هایی صرفاً فکری است، درونمایه آن را از مرزهای قومی فراتر برده، سایه سنگین گرایش‌های جدلی و فکری به سبک و سیاق یونانیان را بر آن می‌افکند. تقریباً بیشتر محققان معتقدند: شکل نهایی کتاب محصول همین دوره است و باید پس از اسارت بابلی، تدوین یافته باشد (شنیدویند، ۲۰۰۴، ص ۱۶۶). البته باید توجه داشت که ترجمه یونانی کتاب، احتمالاً حدود سده اول ق. م. انجام شده است و شامل ضمیمه‌ای است که گویا نشان از وجود نسخه تارگوم سریانی (احتمالاً آرامی) آن کتاب دارد (سرن، ۱۹۸۷، ص ۱۶۳).

### فرضیهٔ دو ایوب

با توجه به مشکلات بسیاری که در تعیین زمان و چگونگی نحوه شکل‌گیری و تألیف کتاب ایوب به چشم می‌خورد، می‌توان گفت چرا بسیاری از محققان قایل به دو ایوب هستند و از فرضیهٔ دو ایوب دفاع می‌کنند: ایوب مقدمه و مؤخره، یا بخش منثور و ایوب گفت‌وگوها یا بخش منظوم. در حقیقت، این دو ایوب، چنان متفاوت ظاهر می‌شوند که باید گفت این کتاب نه تنها در دوره زمانی (و حتی مکانی) متمایز، بلکه توسط دو مؤلف متمایز با دو رویکرد و دیدگاه متمایز نگاشته یا سروده شده‌اند. حداقل تمایز کلی این دو بخش کتاب، این است که دیدگاه و رویکرد بخش منثور، دینی و منطبق با اعتقادات و سنت جاری در ادیان ابراهیمی، یعنی رویکرد «تسلیم» است.

در حالی که دیدگاه و رویکرد بخش منظوم، فکری - فلسفی و منطبق با چالش‌های مرسوم در جریان‌های کلامی و فلسفی است (ر.ک: امینی، ۱۳۹۳).

گینسبرگ، این تمایز را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند: ۱. ایوب شکیب (Job The patient)؛ ۲. ایوب ناشکیب (Job The impatient). سخنان حزقیال (۱۴: ۱۲-۲۰)، حاکی از وجود سنتی شفاهی و اولیه در باب (JP) است که بعدها (JIP)، به آن پیوند داده شده است. اما JP، خود شامل بیش از یک لایه است. ملاحظات و بررسی‌های محققانی چون باتلن (W.L. Batlen)، آلت (A. Alt) و فاین (H. A. Fine)، اشاراتی به این لایه‌بندی دارند، از جمله، JP در ۱: ۵-۱۳ و ۲۲-۲۴: ۲-۱۱. آیات، با ساختاری ساده، شامل کل داستان هستند که چیزی در باب نقش شیطان نمی‌دانند. اما مؤلف JIP، نه تنها ایوب را از حالت معمول یک قدیس خارج کرده و به یک نافی پاداش و جزا و مشیت مبدل می‌کند، بلکه شالوده اثری هنری را پی‌ریزی می‌کند (گینسبرگ و جودائیکا، ۲۰۰۷، ص ۳۵۰). اشراف او به زبان عبری قدیم و حتی ترکیباتی از عربی، زبانی موجز پدید می‌آورد که به خوبی از عهده چالش‌های فکری و کلامی برمی‌آید. نمونه‌ای از این بازی با واژگان و بار معنایی آنها، در خطابه خیالی خداوند است که از خود در برابر ایوب دفاع می‌کند و ایوب که او را متهم می‌کند. این نکته‌سنجی و ظرافت شاعرانه، با جابه‌جا کردن Iov، به معنای خداوند با oyev، به معنای دشمن صورت گرفته است (کولمن، ۲۰۰۵، ص ۵۵؛ گینسبرگ و جودائیکا، ۲۰۰۷، ص ۳۵۱).

ایلمان نیز این تقسیم‌بندی و تمایز جدی دو ایوب را می‌پذیرد (ایلمان، ۲۰۰۳، ص ۳۶۲ و ۳۶۵): ایوب مقدمه و مؤخره، به مثابه ایوب متقی و ایوب گفت‌وگوها به مثابه ایوب منتقد ظاهر می‌گردد (همان، ص ۳۸۸). همین ایوب است که چهره ادبی بسیار نافذ و تأثیرگذاری از خود به جای گذاشته است (همان، ص ۳۸۹). از این رو، حتی اگر روزی روزگاری، شخصیتی تاریخی به نام ایوب وجود داشته است، این ایوب اندیشمند چالشگر است که به شخصیتی ادبی تغییر شکل یافته است (دو مور، ۱۹۹۷، ص ۱۳۱ و ۱۶۲). با این حال، نباید تصور کرد که مرزهای بین این دو بخش، مطلق است و می‌توان کتاب را متشکل از دو واحد ادبی متمایز دانست. به نظر می‌رسد، درهم‌تنیدگی عجیب آنها ما را مجبور می‌کند که بپذیریم به احتمال قوی، مؤلفی واحد، در نهایت، بر این کتاب نظارت داشته، یا حتی چارچوبی واحد به کلیت کتاب بخشیده است (ایلمان، ۲۰۰۳، ص ۳۸۷).

در نهایت، شاید این نظریه بیش از همه پذیرفتنی باشد که بخش گفت‌وگوها، نخست سروده شده و تدوینگر و یا مؤلف نهایی کل کتاب، لازم دیده تا چارچوب جدیدی به مطالب داده (همان، ص ۳۷۰) و آن

## منابع

- امینی، مریم، ۱۳۹۳ «بازخوانی سنت‌های فکری - کلامی در کتاب ایوب»، *معرفت ادیان*، ش ۱۸، ص ۲۳-۳۴.
- Berger, Samuel, 1893, *Hist. de la Vulgate*, Paris.
- Cohen, A.?, *Everyman's Talmud*, London.
- De Moore, J. C., 1997, *The Rise of Yahvism: The Roots of Israelite Monotheism*, Leuven.
- Ginsberg, Harold Louis, 2007, "Job, The Book of", *Enc. Judaica*, ed. Fred Skolnic, V.11, New York, Macmillan Reference USA, 341-357
- Gruber, Mayer I. 2007, "Job, The Book of", *Enc. Judaica*, ed. Fred Skolnic, V.11, New York, Macmillan reference USA, 341-357
- Horbury, William & W. D. Davies, 1984, *The Cambridge of Judaism*, V.3, Cambridge, Cambridge University Press.
- Illman, Karl-John, 2003, *Thodicy in The World of Bible*, ed. Antti Laato, Leiden, Brill.
- Interpreter's Bible*, 1995, V/III, Nashville.
- Kitto, John ed. 1958, *Cyclopaedia of Biblical Literature*: edinburgh.
- Kovelman, Arkady, 2005, *Between Alexandria & Jerusalem*, The Dynamic of Jewish & Hellenestic Culture, Leiden, Brill.
- Kraeling, Emil G., 1955, "Job, book of", *Twentieth Century Enc.* ed. Leffert A. & Loetscher, Michigan, p. 605-606.
- Peters, F. E., *Judaism, Christianity & Islam*, V.2, Princeton.
- Rogerson, J. W. & Judith M. Lieu, 2006, ed. *Biblical Studies*, New York, Oxford University Press.
- Sarna, Nahum M. 1987, "Hebrew Scriptures", *Enc. Religion, ed. Eliade*, V.2, New York, Macmillan Publishing Company.
- Schniedwind, William M., 2004, *How the Bible Became a Book*, Cambridge.
- Schonfield, Hugh J., 1962, *A History of Biblical Literature*, New York.
- Wahl, M., 1993, *Der Gerechte SchÖpfer*: Eine Redaktions und theologische schichtliche Untersuchung der Elihureden: Hiob 32-37, Berlin.

را صورت بسته شده امروزی دهد که در کانون (canon)، یا مجموعه شرعی کتاب مقدس جای گیرد. این تاریخ را می‌توان تا سده دوم ق.م. حدس زد؛ زیرا تقریباً بیشتر محققان در هماهنگی خاص پی‌ریزی شده و معنادار مؤلف یا ویراستار نهایی تردیدی ندارند و کل کتاب را در مجموع، به طور شگفتی هماهنگ و دقیق ارزیابی می‌کنند.

لازم به یادآوری است فرضیه دو ایوب، به معنای وجود دو ایوب تاریخی نیست، بلکه به معنای وجود سنت‌های شفاهی و مکتوب مختلف تاریخی در باب ایوب است و چنان‌که توضیح داده شد، متناسب با شرایط مختلف، شخصیت‌پردازی شده و آرام آرام به کانون کتاب مقدس راه یافته‌اند.

## نتیجه‌گیری

با آنکه هدف اولیه نقد تاریخی، تعیین معنای اولیه و اصلی متن در زمینه تاریخی اولیه آن می‌باشد، اما بازسازی موقعیت تاریخی مؤلف یا مؤلفان کتاب، حاکی از این است که سنت‌های پیشین و پراکنده در میان یهود، به‌عنوان واحدهای کوچک‌تر، به تدریج راه خود را در میان واحدهای بزرگ‌تر کانون کتاب مقدس یهود باز کرده‌اند. کتاب ایوب نیز حاصل چنین تعامل فعال و هوشمندانه‌ای است که علاوه بر ارزش ادبی خاصی که می‌یابد، بازتابی از ریشه‌های تاریخی مبانی نظری الهیات، فلسفه، عرفان و حتی ادبیات این قوم می‌باشد. از این رو، می‌توان گفت: تفسیر و فهم ادبیات یهود، همچون تفسیر و فهم تاریخ یهود می‌باشد و حاصل این جست‌وجوی دوگانه، البته در تلقی وحی در ادیان یهود و مسیحیت تأثیر بسزایی داشته است.